شرح دعای سی ودو صحیفه سجادیه

درمقام اعتراف به گناه بعد از نمازشب

نویسنده:فاطمه پورشفیع

کارشناس ارشد علوم قران و حدیث

تابستان ۹۷

(وَ كَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ بَعْدَ الْفَرَاغِ مِنْ صَلَاهِ اللَّيْلِ لِنَفْسِهِ فِی الِاعْتِرَافِ بِالذَّنْبِ)

اللَّهُمَّ يَا ذَا الْمُلْکِ الْمُتَأَبِّدِ بِالْخُلُودِ وَ السُّلْطَانِ الْمُمْتَنِعِ بِغَيْرِ جُنُودٍ وَ لَا أَعْوَانٍ .

ای مالکی که همیشه جاودانی، که سلطنت تو نیازمند سپاهی و یا پشتیبانی نیست.

وَ الْعِزِّ الْبَاقِی عَلَی مَرِّ الدُّهُورِ وَ خَوَالِی الْأَعْوَامِ وَ مَوَاضِی الْأَزمَانِ وَ الْأَيَّامِ عَزَّ سُلْطَانُکَ عِزّاً لَا حَدَّ لَهُ بِأَوَّلِيَّهٍ ، وَ لَا مُنْتَهَی لَهُ بِآخِرِيَّهٍ

سلطنت تو عزّت آور است و با گذشت روزگار و ايّام باقی است .سلطنت تو آغاز و پایانی ندارد.

وَ اسْتَعْلَی مُلْکُکَ عَلُوّاً سَقَطَتِ الْأَشْيَاءُ دُونَ بُلُوغِ أَمَدِهِ

سلطنتی بلند پایه و مالکی بلند مرتبه که به کنه آن هیچ چیز توان رسیدن ندارد.

وَ لَا يَبْلُغُ أَدْنَی مَا اسْتَأْثَرْتَ بِهِ مِنْ ذَلِکَ أَقْصَی نَعْتِ النَّاعِتِينَ .

سلطنتی که توصیف واصفان به نازلترین مرتبه اش نتواند وصف کنند.

ضَلَّتْ فِيکَ الصِّفَاتُ ، وَ تَفَسَّخَتْ دُونَکَ النُّعُوتُ ،

در برابر آن همه عظمت وبزرگی ، واصفان در توصیف به گمراهی می افتند در حالیکه صفات، وصف غیر تو را ندارند ومخصوص توست.

وَ حَارَتْ فِی کِبْرِيَائِکَ لَطَائِفُ الْأَوْهَامِ

در برابر بزرگی و کبریائی تو اوهام و خیالات نقشی ندارند و سرگردان اند.

كَذَلِکَ أَنْتَ اللَّهُ الْأَوَّلُ فِی أَوَّلِیَّتِکَ ، وَ عَلَی ذَلِکَ أَنْتَ دَائِمٌ لَا تَزُولُ

تو خدای ازلی هستی، تو باقی و جاودان و همیشگی و بی زوال هستی.

وَ أَنَا الْعَبْدُ الضَّعِیفُ عَمَلًا ، الْجَسِیمُ أَمَلًا ،

ومن بنده ای ضعیف در عمل ،ناتوان،وپر آرزویم.

خَرَجَتْ مِنْ یَدِی أَسْبَابُ الْوُصُلَاتِ إِلَّا مَا وَصَلَهُ رَحْمَتُکَ ، وَ تَقَطَّعَتْ عَنِّی عِصَمُ الْآمَالِ إِلَّا مَا أَنَا مُعْتَصِمٌ بِهِ مِنْ عَفْوِکَ

اسباب پیوند ها از دستم خارج شده مگر آنچه رحمت تو آنرا برای من حفظ کرده باشد تا این پیوند بر قرار ماند. از من رشته های امید و آرزو منقطع شده مگر آنچه که بوسیله عفو تو به آن چنگ زدم.

قَلَّ عِنْدِی مَا أَعْتَدُّ بِهِ مِنْ طَاعَتِکَ

کم است نزد من ،آنچه از طاعت تو بشمار آید.

و كَثُرَ عَلَیَّ مَا أَبُوءُ بِهِ مِنْ مَعْصِیَتِکَ

و بسیار است برمن دردهایی که حاصل از معصیت است.

وَ لَنْ یَضِیقَ عَلَیْکَ عَفْوٌ عَنْ عَبْدِکَ وَ إِنْ أَسَاءَ ، فَاعْفُ عَنِّی .

دشوار نیست گذشت از بنده گنهکار که بد عمل کرده ، پس از من در گذر.

فراز دوم:

اللَّهُمَّ وَ قَدْ أَشْرَفَ عَلَی خَفَایَا الْأَعْمَالِ عِلْمُکَ ،

بار الها ، علم تو بر اعمال نهائی اشراف دارد.

وَ انْکَشَفَ کُلُّ مَسْتُورٍ دُونَ خُبْرِکَ ،

تو بر همه چیز آگاهی پس هیچ چیز از نظر تو پنهان نمی ماند.

وَ لَا تَنْطَوِی عَنْکَ دَقَائِقُ الْأُمُورِ ،

لحظات امور از تو پنهان نیست.

وَ لَا تَعْزُبُ عَنْکَ غَیِّبَاتُ السَّرَائِرِ

رازهای نهانی از تو پنهان نیست.

وَ قَدِ اسْتَحْوَذَ عَلَیَّ عَدُوُّکَ الَّذِی اسْتَنْظَرَکَ لِغَوَایَتِی فَأَنْظَرْتَهُ ، وَ اسْتَمْهَلَکَ إِلَی یَوْمِ الدِّینِ لِإِضْلَالِی فَأَمْهَلْتَهُ فَأَوْقَعَنِی

مستولی شده دشمن تو برمن، همان دشمنی که تو به او مهلت دادی تا روز قیامت تا مرا به سوی انحراف بکشاند.

وَ قَدْ هَرَبْتُ إِلَيْکَ مِنْ صَغَائِرِ ذُنُوبٍ مُوبِقَهٍ ، وَ كَبَائِرِ أَعْمَالٍ مُرْدِيَهٍ حَتَّى إِذَا قارَفْتُ مَعْصِيَتَکَ ، وَ اسْتَوْجَبْتُ بِسُوءِ سَعْيِی سَخْطَتَکَ ، .

در حالیکه از گناهان صغیره و هلاک کننده و معصیتهای بزرگ و کشنده به سوی تو می گریختم او در کمین من نشسته ، تا اینکه معصیت تو از حدّ گذشته و مستوجب خشم تو شدم .

فَتَلَ عَنِّی عِذَارَ غَدْرِهِ ، وَ تَلَقَّانِی بِكَلِمَهِ كُفْرِهِ ، وَ تَوَلَّى الْبَرَاءَهَ مِنِّی ، وَ أَدْبَرَ مُوَلِّياً عَنِّی ، فَأَصْحَرَنِی لِغَضَبِکَ فَرِيداً ،

وقتی مرا در دام خود اسیر کرد عنان حیله خود را از من بر گرداند و مرا با کلمه کفرمواجه کرد و در اینحال از من بیزاری جُست ، و پشت کرد به من پس مرا در بیابان گمراهی در معرض غضب تو تنها گذاشت.(گفت: امروز مرا ملامت نکن ، خودت را ملامت کن . من فقط گفتم بیا و توآمدی.همانا با کفر مواجه شدم و بخود ظلم کردم و دچار عذاب الهی -- فَلَا تَلُومُونِي وَلُومُوا أَنْفُسَكُمْ ۖ مَا أَنَا بِمُصْرِخِكُمْ وَمَا أَنْتُمْ بِمُصْرِخِيَّ ۖ إِنِّي كَفَرْتُ بِمَا أَشْرَكْتُمُونِ مِنْ قَبْلُ ۗ إِنَّ الظَّالِمِينَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ -۲۲ ابراهیم)

وَ أَخْرَجَنِی إِلَى فِنَاءِ نَقِمَتِکَ طَرِيداً . لَا شَفِيعٌ يَشْفَعُ لِی إِلَيْکَ ، وَ لَا خَفِيرٌ يُؤْمِنُنِی عَلَيْکَ ، وَ لَا حِصْنٌ يَحْجُبُنِی عَنْکَ ، وَ لَا مَلَاذٌ أَلْجَأُ إِلَيْهِ مِنْکَ.

او مرا نابود کرد ، رانده شده از درگاه تو ، به گونه ای که در ساحت انتقام تو به حالتی در اورد که هیچ چیز برایم باقی نماند نه شفیعی که مرا شفاعت کند و نه پناهی که نزدش ایمن یابم و نه دژی و قلعه ای که پناه من باشد و حُجبی باشد در برابر عذاب تو ونه پناهی که از تو بسوی آن بروم. (انسان مؤمن باید حُجبها را که ناشی از بی ایمانی است و او را از خدا دور ساخته کنار زند تا به خدا برسد و از عذاب الهی در امان ماند وگرنه انسانِ گرفتار نفس اماره دچار انتقام خداوند تعالی شده وهیچ آبرو و عزّتی در آخرت نخواهد داشت وسپس هیچ شفاعتی از طرف بزرگان دین و اولیاء الهی و شهدا و صدیّقین بر او پذیرفته نخواهد شد)

فرازسوم:

فَهَذَا مَقَامُ الْعَائِذِ بِکَ ، .

این جایگاه کسی است که به تو پناه می آورد.

وَ مَحَلُّ الْمُعْتَرِفِ لَکَ ،

وبرای تو اعتراف می کند.

فَلَا يَضِيقَنَّ عَنِّی فَضْلُکَ ،

مبادا فضل تو از من تنگی گیرد.

وَ لَا يَقْصُرَنَّ دُونِی عَفْوُکَ ،

و عفو تو بر من تنگ گیرد.

وَ لَا أَكُنْ أَخْيَبَ عِبَادِکَ التَّائِبِينَ ،

و من در بین توبه کنندگان تو نا امید تر و بی نصیب تر مانم.

وَ لَا أَقْنَطَ وُفُودِکَ الْآمِلِينَ ،

ودر بین امیدواران تو نومید ترین ورودی تو باشم.

وَ اغْفِرْ لِی ، إِنَّکَ خَیْرُ الْغَافِرِینَ

مرا ببخش که تو بهترین بخشنده ای.

فراز چهارم:

اللَّهُمَّ إِنَّکَ أَمَرْتَنِی فَتَرَکْتُ ، .

بار الهی همانا تو مرا امر کردی ، پس من تو را رها کردم.

وَ نَهَیْتَنِی فَرَکِبْتُ ،

و مرا نهی کردی ولی من بر نهی تو سوار شدم.

وَ سَوَّلَ لِیَ الْخَطَاءَ خَاطِرُ السُّوءِ فَفَرَّطْتُ .

و بدین ترتیب افراط در اندیشه بد ، و خطا و اشتباه را در نظرم آراست.

وَ لَا أَسْتَشْهِدُ عَلَی صِیَامِی نَهاراً ،

و هیچ گواهی ندارم برروزه داری بر روز.

وَ لَا أَسْتَجِیرُ بِتَهَجُّدِی لَیْلًا ،

وهیچ پناهی از تهجد شبانه ام برای خودم ایجاد نکردم.

وَ لَا تُثْنِی عَلَیَّ بِإِحْیَائِهَا سُنَّهٌ

و هیچ سنتی را احیاء نکردم تا مرا ثنا گوید.

حَاشَا فُرُوضِکَ الَّتِی مَنْ ضَیَّعَهَا هَلَکَ

حاشا از واجبات تو که هر کس آنرا ضایع نماید ، هلاک شود.

وَ لَسْتُ أَتَوَسَّلُ إِلَیْکَ بِفَضْلِ نَافِلَهٍ مَعَ کَثِیرِ مَا أَغْفَلْتُ مِنْ وَظَائِفِ فُرُوضِکَ ،

انجام نوافل و مستحبات جبران واجبات است ، پس به وسیله نافله هم که فضل کثیر تو در آن است و کوتاهی و غفلت در برابر واجبات را جبران می کند ، از این طریق بوسیله نافله هم به تو متوّسل نشدم.

وَ تَعَدَّیْتُ عَنْ مَقَامَاتِ حُدُودِکَ

حدود تو را نشناختم و از حدود تو تجاوز کردم.(معرفت شناسی – تکامل انسانی)

إِلَی حُرُمَاتٍ انْتَهَکْتُهَا ،

بسوی حرام ها شتافتم و خود را با انجام محرمات به هلاکت رساندم.

وَ کَبَائِرِ ذُنُوبٍ اجْتَرَحْتُهَا ،

مبادرت به گناهان کبیره مرا از تو دور ساخته و زخمی بر جانم نهاده.

کَانَتْ عَافِیَتُکَ لِی مِنْ فَضَائِحِهَا سِتْراً .

این آسیب و رسوائیها فقط با عافیت از سوی تو بر طرف خواهد شد آنگاه که رسوائیها را می پوشانی و هدایت را پیشه من می سازی.

عافیت:

عافیت نقطه مقابل گرفتاریها و ابتلاء است و سلامت از هر نوع آفت و ناگواری جسمی و روحی ، ظاهری . باطنی ، دنیوی و اُخروی.

اقسام عافیت:

عافیت بدن ،سلامتی جسمی و روحی که مردم از آن غافل اند. عافیت دین که فضیلت است.

حضرت رسول (ص) فرمود: از خداوند عافیت طلب کن چرا که برتر از عافیت به بنده چیزی اعطا نشده مگر یقین.

فرازپنجم:

وَ هَذَا مَقَامُ مَنِ اسْتَحْيَا لِنَفْسِهِ مِنْکَ ،

واین مقام و جایگاه من است که شرمساراست در برابر تو.

وَ سَخِطَ عَلَيْهَا ،

و سخت گرفته بر نفسش .

وَ رَضِيَ عَنْکَ ،

تا خشنودی تو را موجب شود.

فَتَلَقَّاکَ بِنَفْسٍ خَاشِعَهٍ ، وَ رَقَبَهٍ خَاضِعَهٍ ، وَ ظَهْرٍ مُثْقَلٍ مِنَ الْخَطَایَا وَاقِفاً بَیْنَ الرَّغْبَهِ إِلَیْکَ وَ الرَّهْبَهِ مِنْکَ . وَ أَنْتَ أَوْلَی مَنْ رَجَاهُ ، وَ أَحَقُّ مَنْ خَشِیَهُ وَ اتَّقَاهُ ،

پس با نفس خاشع،و گردنی خاضع و فروتن، در حالیکه بار گناه و خطا بر دوشش هموار است ، با رغبت و بیم و هراس پیش تو آمده که تو در جایگاه امیدی و سزاوار این مقام هستی وسزاوار ترین کسی هستی که از او بترسد و تقوی پیشه کند.

فَأَعْطِنِی یَا رَبِّ مَا رَجَوْتُ ، وَ آمِنِّی مَا حَذِرْتُ ، وَ عُدْ عَلَیَّ بِعَائِدَهِ رَحْمَتِکَ ، إِنَّکَ أَکْرَمُ الْمَسْئُولِینَ

پس پروردگارم آنچه را که امید دارم به من عطا کن. و مرا ایمن ساز از آنچه هراس دارم و می ترسم ،و مرا از رحمتت بهره ده زیرا تو در مدیریت و مسئولیت ، کریم ترین هست

فراز ششم:

اللَّهُمَّ وَ إِذْ سَتَرْتَنِی بِعَفْوِکَ ، .

بارالها؛ آنگاه که با عفو خود برگناهانم ساتر هستی.

وَ تَغَمَّدْتَنِی بِفَضْلِکَ فِی دَارِ الْفَنَاءِ بِحَضْرَهِ الْأَکْفَاءِ ،

و با فضل خود در سرای فناء(دنیا) در حضور اقران مرا ساتری.

فَأَجِرْنِی مِنْ فَضِیحَاتِ دَارِ الْبَقَاءِ عِنْدَ مَوَاقِفِ الْأَشْهَادِ مِنَ الْمَلَائِکَهِ الْمُقَرَّبِینَ ، وَ الرُّسُلِ الْمُکَرَّمِینَ ، وَ الشُّهَدَاءِ وَ الصَّالِحِینَ ، مِنْ جَارٍ کُنْتُ أُکَاتِمُهُ سَیِّئَاتِی ، وَ مِنْ ذِی رَحِمٍ کُنْتُ أَحْتَشِمُ مِنْهُ فِی سَرِیرَاتِی .

مرا پناه دهد از رسوائیهای دنیا ، رسوائیهایی که مرا در قیامت در محل "مواقف" گواهان قرار می دهد؛ گواهانی از قبیل ملائکه مقربین و رسولان مکرم و شهدا و صالحین ،رسوائیهایی که از همسایگانم می پوشاندم. رسوائیهایی که از خویشاوندانم شرم می کردم و آن را می پوشاندم.

شاهدان قیامت در قرآن:

روز رستاخیز روز محکمه الهی است و شاهدانی دارد که بر دو گروه اند:

۱-شاهدان عینی خارجی، از قبیل، خدا و پیامبران و شهدا و صالحین وو.....

۲- گواهان داخلی(اعضاء بدن مجرم)

سخنی در مورد تجسم اعمال:

اعمال انسان از نیک و بد در سرای دیگر جلوه می کند . افعال نیک انسان بصورت موجودات زیبا واعمال بد و گناهان بصورت موجودات مهیب و کریه مجسم می شود، در حالیکه خود یک نوع کیفر برای مجرم به شمار می روند ، بر جرائم او نیز گواهی می دهند .

فهم این حقیقت که اعمال انسانها همان گونه که هست، در آخرت به آنها نشان داده می شود؛

علاوه بر اینکه می تواند عامل جلوگیری از گناه باشد، حداقل به دو پرسش درباره مسائل قیامت پاسخ می دهد که آن دو پرسش عبارت اند از:

چرا خداوند کافران و کنهکاران را در جهنم می سوزاند؟ مگر با سوزاندن مشگلی حل می شود؟

قَدْ كُنْتَ فِی غَفْلَةٍ مِنْ هَذَا فَكَشَفْنَا عَنْکَ غِطَاءَکَ فَبَصَرُکَ الْيَوْمَ حَدِيدٌ ق/۲۲؛

تو از اعمال خود در دنیا غافل بودی و اینک پرده را ما از جلو چشمان تو کنار میزنیم تا چشمت تیز بین گردد.

انسانها خودشان را گرفتارآتش ناشی از اعمال خود می کنند. گناه و عذاب که مثل دنیا قرا دادی نیست!مال یتیم خوردی و یا هر عمل حرامی که خدا از آن منع کرده انجام دادی ،پس درهای جهنم و سوخته شدن را به روی خود گشوده ای !

اینجا دست خودت است که آتش را تبدیل به گلستان کنی البته در عمل دنیا – پیش بفرست عمل نیکو را برای آخرت خود که زیان در آخرت گریبانت را نگیرد.

شاهدان عینی خارجی:

خداوند بزرگ ...والله شهید علی ما تعملون(۹۸ آل عمران)

۲- پیامبران الهی- پیامبر اسلام ...یکون الرسول علیکم شهیدا (۱۳٤بقره) آنّا أرسلنا الیکم شاهداً علیکم ...(مزمل ۱۵) آنّا ارسلنا شاهدا و مبشرا و نذیرا(پیامبر در همه حال ناظر و گواه بر اعمال ماست. «شاهِداً.(٤۵ احزاب)

۳- گواهی دادن افرادی از امت اسلام(وَكَذَٰلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ وَيَكُونَ الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ شَهِيدًا ۗ)(۱٤۳ بقره)

٤- فرشتگان ناظر بر اعمال. وَإِنَّ عَلَيْكُمْ لَحَافِظِينَ- فرشتگان در قیامت کار خود را انجام می دهند.(۱۰ انفطار)

فرشتگان متعدّد، مسئول حفظ و حراست از انسان‌ها هستند- لَحافِظِینَ

فرشتگان، مسئول ثبت و ضبط کارهای انسانند. کاتِبِینَ

فرشتگانِ مراقب، در ثبت اعمال برخوردی کریمانه دارند. کِراماً

فرشتگان هم متعدّدند، هم تیزبین و هم ریزبین. یَعْلَمُونَ ما تَفْعَلُونَ

توجّه به ثبت اعمال توسط فرشتگان معصوم، سبب حیا و تقوای انسان می‌شود. یَعْلَمُونَ ما تَفْعَلُونَ

۵- زمین یا مکان انجام عمل- "یومئذ تحدث اخبارها"(۵ زلزال)

با اراده خدا در قیامت، جمادات نیز به سخن می‌آیند، نه فقط زمین، بلکه اعضای بدن انسان علیه او گواهی می‌دهند. «وَ قالُوا لِجُلُودِهِمْ لِمَ شَهِدْتُمْ عَلَيْنا قالُوا أَنْطَقَنَا اللَّهُ الَّذِي أَنْطَقَ كُلَّ شَيْءٍ» (٤۱ فصلت)

در روایات آمده است که در مکان‌های مختلف نماز بخوانید، زیرا آن مکان در قیامت برای شما شهادت می‌دهد

٦- شهادت زمان یا گردش روز وشب- یومِئذ تُحَدِّثُ أَخْبارَها * بِأَنَّ رَبَّكَ أَوحى لَها).(٤-۵ زلزال)

در چنین روزی زمین از حوادثی که در آن رخ داده است خبر می دهد، زیرا پروردگارش به آن وحی نموده و او را آگاه ساخته است.

۷- گواهی دادن قرآن

از برخی از روایات استفاده می شود که قرآن در روز رستاخیز به صورت انسانی مجسم می شود و خدا به او خطاب می کند بندگان مرا چگونه دیدی؟(با تو چگونه رفتار کردند؟) او در پاسخ می گوید: پروردگارا گروهی از آنان مرا حفظ کرده و چیزی از من ضایع نکردند، و برخی از آنان مرا ضایع نمودند، حق مرا سبك شمرده و به تكذیب من برخاستند، و من حجت تو بر تمام خلق می باشم،

در این هنگام خطاب می آید: به عزت و جلالم سوگند به خاطر تو گروه نخست را بهترین پاداش و گروه دیگر را به عذاب دردناك كیفر خواهم داد.(بحار ج۷ باب ۱٦)

۸- نامه اعمال – إقرا کتابک بنفسک الیوم علیک حسیبا- (١٤ اسراء)

در قیامت، همه‌ی مردم قادر به خواندن نامه‌ی اعمال خود می‌شوند.

در قیامت، وجدان‌ها بیدار می‌شود. «بِنَفْسِكَ

قیامت، تنها دادگاهی است که مجرم علیه خودش حکم می‌کند.

۹- شاهدان داخلی

اعضاء بدن (٦٥ یس) الْيَوْمَ نَخْتِمُ عَلَىٰ أَفْوَاهِهِمْ وَتُكَلِّمُنَا أَيْدِيهِمْ وَتَشْهَدُ أَرْجُلُهُمْ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ- اعضاء بدن صاحب درک و شعور است پس در قیامت دهان ها بسته و اعضا شهادت می دهند.

فراز هفتم:

لَمْ أَثِقْ بِهِمْ رَبِّ فِی السِّتْرِ عَلَیَّ ، وَ وَثِقْتُ بِکَ رَبِّ فِی الْمَغْفِرَهِ لِی ،

بار الها ، من هرگز به ستر پوشی دوستان و خویشاوندانم از آنچه از من می دانستند ، اعتماد نکردم ولی به تو در آمرزش خود اعتماد کردم.

وَ أَنْتَ أَوْلَی مَنْ وُثِقَ بِهِ ، وَ أَعْطَی مَنْ رُغِبَ إِلَیْهِ ، وَ أَرْأَفُ مَنِ اسْتُرْحِمَ ، فَارْحَمْنِی .

و تو سزاوارتری در میان کسانی که می توان به او اعتماد کرد و بخشنده ترین کسی هستی که به او روی آوردم.و مهربانترین کس در مهربانی هستی پس رحمت خود را بر من فرو فرست.

فراز هشتم:

اللَّهُمَّ وَ أَنْتَ حَدَرْتَنِی مَاءً مَهِیناً مِنْ صُلْبٍ مُتَضَایِقِ الْعِظَامِ ، حَرِجِ الْمَسَالِکِ إِلَی رَحِمٍ ضَیِّقَهٍ سَتَرْتَهَا بِالْحُجُبِ ،

بار الهی، تو مرا از آبی پست از صُلبی که استخوانهایش در هم فشرده شده بسوی راههای تنگ رحمی خارج کردی جائی که آنرا با پرده ها پوشاندی.

تُصَرِّفُنِی حَالًا عَنْ حَالٍ حَتَّی انْتَهَیْتَ بِی إِلَی تَمَامِ الصُّورَهِ ، وَ أَثْبَتَّ فِیَّ الْجَوَارِحَ کَمَا نَعَتَّ فِی کِتَابِکَ نُطْفَهً ثُمَّ عَلَقَهً ثُمَّ مُضْغَهً ثُمَّ عَظْماً ثُمَّ کَسَوْتَ الْعِظَامَ لَحْماً ، ثُمَّ أَنْشَأْتَنِی خَلْقاً آخَرَ کَمَا شِئْتَ ، حَتَّی إِذَا احْتَجْتُ إِلَی رِزْقِکَ ، وَ لَمْ أَسْتَغْنِ عَنْ غِیَاثِ فَضْلِکَ ،

در حالیکه مرا از حالی به حال دیگر می گردانی – تا اینکه کمال صورت را محقق ساختی و جوارح را محکم کردی همچنانکه در کتاب خود آنرا توصیف کردی" نطفه سپس خون بسته سپس پاره گوشت بی استخوان سپس استخوان، وسپس روییدن گوشت بر روی استخوان ها و بعد مرحلۀ دیگری از آفرینش را خلق کردی همانطور که خواست خودت بود تا به رزق و روزی تو احتیاج پیدا کردم در حالیکه بی نیاز نبودم از فریاد رسی ودر خواست از فضل تو.

جَعَلْتَ لِی قُوتاً مِنْ فَضْلِ طَعَامٍ وَ شَرَابٍ أَجْرَیْتَهُ لِأَمَتِکَ الَّتِی أَسْکَنْتَنِی جَوْفَهَا ، وَ أَوْدَعْتَنِی قَرَارَ رَحِمِهَا .

تو قرار دادی از فضل خودت برایم، مازاد طعام و نوشیدنی کنیز خود را که مرا در رحم و اندرون او جای دادی و مرا به ودیعه در رحم او قرار دادی.

وَ لَوْ تَكِلُنِی یَا رَبِّ فِی تِلْکَ الْحَالَاتِ إِلَی حَوْلِی ،

و اگر پروردگارم در این حال مرا به خودم واگذار می کرد ، مرا حاجتمند خود می ساخت.

أَوْ تَضْطَرُّنِی إِلَی قُوَّتِی لَكَانَ الْحَوْلُ عَنِّی مُعْتَزِلًا ، وَ لَكَانَتِ الْقُوَّهُ مِنِّی بَعِیدَهً .

هر آینه تدبیر از من برکنار و قوت از من دور می شد(کنایه از رهاشدن و رشد نکردن)

فَغَذَوْتَنِی بِفَضْلِکَ غِذَاءَ الْبَرِّ اللَّطِیفِ ، تَفْعَلُ ذَلِکَ بِی تَطَوُّلًا عَلَیَّ إِلَی غَایَتِی هَذِهِ ،

به فضل خود و لطف و نیکی خود مرا تغذیه کردی و تا این پایه که قرار گرفتم از فضل و نیکی تو بی بهره نماندم.(به جهت غایت و انتهایی که آن کمال انسانی است مرا پوشش دادی)

لَا أَعْدَمُ بِرَّکَ ، وَ لَا یُبْطِئُ بِی حُسْنُ صَنِیعِکَ ، وَ لَا تَتَأَكَّدُ مَعَ ذَلِکَ ثِقَتِی فَأَتَفَرَّغَ لِمَا هُوَ أَحْظَی لِی عِنْدَکَ .

برّ و نیکی تو تمامی ندارد ، حُسن انعامت و لطفت در باره ام به تعویق نمی افتد. ولی اطمینانم و اعتمادم به تو محکم نمی شود مگر اینکه برای خودم نزد تو بهره ای مفید قائل شوم.(کنایه از کوششی و تلاشی در راهش و خدمت به خلق تا شکر نعمتهای الهی انجام پذیرد)

علم جنین شناسی:
علمی کامل و توحید و خداشناسی است. آشنایی با این علم ، پی بردن به علم آفریدگار است. و زبان گشودن به شکر الهی. وَ لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسانَ مِنْ سُلالَةٍ مِنْ طینٍ(۱۲ مومنون)

اتصال تخمک و اسپرم سلول تخم نام دارد.بعد از دو روز از بارداری ، سفر سلول از طریق لوله رحمی به سمت رحم آغاز می شود ، در این حال سلول تخم خود را تقسیم می کند تا به مجموعه ای از سلولها برسد و پس از ۵ تا ۷ روز این مجموعه به رحم می رسد و در سطح داخلی رحم خود را جای داده و رشد می کند . از این لحظه به بعد بارداری به خوبی تثبیت می شود. (این همان قرار مکین است)یک بخش از سلول به داخل آندومتر رشد می کند تبدیل به جفت می شود که جنین را تغذیه می کند ، بقیه سلول رشد جنین را به عهده می گیرد ؛ مرحلّه علقه از ۱۵ تا ۲٤ روز رویانی است در این مرحله رویان توسط بند ناف به دیوار رحم متصل می شود و توسط بند ناف به جفت آویزان می شود . خون در رگها بصورت جزایر خونی تشکیل شده و شبیه لخته خون. در مرحله علقه موجودی لخته ای شکل و زالو مانند بوجود می آید که تعبیر قرآن علقه است.

مرحلۀ مضغه؛ بافت نرم ،رویان در روز ۲٤- ۲٦- جنینی وارد مرحلۀ مضغه می شود. لخته گوشت مانند گوشت جویده شده ، در این حالت قابلیت پذیرش صورت انسانی و ادامه مراحل بعدی برای تبدیل به انسان کامل است.در این مرحله اگر جنین قابلیت را نیابد در نهایت یا سقط صورت می گیرد یا انسان ناقص الخلقه متولد می شود.و تعبیر قران " مخلّقه" (کامل شده) و "غیر مخلّقه" (تصویر ناقص)است. از ابتدای هفته چهارم ، قلب بسیارساده شروع بکار می کند و روبه تکامل است.

مرحلۀ عظام"رشد استخوانها" شکل گیری استخوانها و پوشاندن آنها با گوشت . در طی هفته چهارم که تا چهار ماهگی سیر تکامل خود را طی می کند.از این هفته فعالیت استخوانها و اسکلت جنین و حرکات اندامی مشاهده می شود. از تبدیل مضغه به استخوان ، و رشد جنین از این مرحله به بعد از نظر شکل اندامی و ظاهر پوست و سایر ویژگیها ، که قرآن به زیبائی اشاره می کند ، شکل ظاهری جنین به پایان می رسد. لحم ، پوشش با گوشت ، شکل گیری عضلات در جنین به هفته هفتم و هشتم که تقریبا چهره انسانی جنین کم کم آشکار می شود.بعد تکمیل این مرحله حرکت جنین آغاز می گردد. (ابراهیمی- مهدی- فاضل و علیرضا ۱۳۹۱- نگاهی نو به پدیده جنین شناسی در تفسیر علمی آیات قرآن – فصلنامه اندیشه دینی دانشگاه شیراز ۷۵- ۹٦)

فرازنهم:

قَدْ مَلَکَ الشَّیْطَانُ عِنَانِی فِی سُوءِ الظَّنِّ وَ ضَعْفِ الْیَقِینِ ،

شیطان عنان مرا در سوءظن و ضعف حاصله در یقین در دست گرفته است.

فَأَنَا أَشْكُو سُوءَ مُجَاوَرَتِهِ لِی ،

پس من از بد جواری شیطان نسبت به خودم شکایت می کنم.

وَ طَاعَهَ نَفْسِی لَهُ ،

از پیروی نفسم در این مرحله شکایت می کنم.

وَ أَسْتَعْصِمُکَ مِنْ مَلَکَتِهِ ، وَ أَتَضَرَّعُ إِلَیْکَ فِی صَرْفِ کَیْدِهِ عَنِّی . وَ أَسْأَلُکَ فِی أَنْ تُسَهِّلَ إِلَی رِزْقِی سَبِیلًا ،

و به دامن تو چنگ می زنم و در ملکیت تو در می آیم در حالیکه در رفع کید شیطان بسوی تو زاری و تضرّع می کنم و از تو می خواهم که برای تحصیل روزیم، راهی آسان فراهم سازی. (فراهم شدن خشنودی خداوند که بالاترین یقین است)

بد گمانی ریشه سقوط انسان است و از بزرگترین گناهان کبیره است.

سوءظن بخدا یعنی نشناختن خدا ، بد گمانی به دانش الهی ، بی اعتمادی به وجود خدا و یگانگی او ، بی اعتمادی به صفات کمال و جلال الهی .

سوء ظن به خود، یعنی فریب خوردن و متهم کردن دیگران و عادت کردن به دروغ و تهمت و غیبت و کسب رذائل اخلاقی و از آن بالاتر بدگمانی در روابط دولت و ملّت ؛ که استواری دولت و ملّت و انسجام و اتحّاد مهمترین پشتوانه موفقیت و اقتدار مسلمانان است.

فراز دهم:

فَلَکَ الْحَمْدُ عَلَی ابْتِدَائِکَ بِالنِّعَمِ الْجِسَامِ ،

پس تورا سپاس می گویم چون تو آغازگر نعمتهای بزرگی .

وَ إِلْهَامِکَ الشُّکْرَ عَلَی الْإِحْسَانِ وَ الْإِنْعَامِ ،

وبا الهامت آموختم که باید شکر گذار احسان و نیکی و خوبیهای تو باشم.

فَصَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ ، وَ سَهِّلْ عَلَيَّ رِزْقِی ، وَ أَنْ تُقَنِّعَنِی بِتَقْدِيرِکَ لِی ،

پس با درود بر محمّد و آل محمّد ، روزیم را بر من آسان گردان و از تقدیر خود بر من مرا خرسند ساز.

وَ أَنْ تُرْضِيَنِی بِحِصَّتِی فِيمَا قَسَمْتَ لِی ، وَ أَنْ تَجْعَلَ مَا ذَهَبَ مِنْ جِسْمِی وَ عُمُرِی فِی سَبِيلِ طَاعَتِکَ ، إِنَّکَ خَيْرُ الرَّازِقِينَ

و مرا از آنچه برایم قسمت کردی راضی و بهره ده ،و اینکه قرار بده جسم و عمرم را درراه طاعت خود که تو بهترین روز دهنده هستی.(اطاعت از پروردگار و موجبات خشنودی او را فراهم آوردن – شناخت حرام و حلال الهی – انجام واجبات – تزکیه نفس – دوری از رذائل اخلاقی – پیوند با اهل بیت (ع) و نیکی به مردم – انجام صله رحم)

امام علی (ع) فرمود: هر گاه آن نشد که تو می خواهی ، پس از وضعی که داری دلگیر مباش (میزان الحکمة ج٤)

امام علی(ع) فرمود: بر ناملایمات چشم فرو بند و گرنه هیچگاه خشنود نباشی. خشنودی غم و اندوه را می برد.(همان)

فراز یازدهم:

اللَّهُمَّ إِنِّی أَعُوذُ بِکَ مِنْ نَارٍ تَغَلَّظْتَ بِهَا عَلَی مَنْ عَصَاکَ ،

بار الها، پناه به تو می برم از آتشی که سخت می گیرد بر هر که عصیان و نا فرمانی تو را کرده باشد.

وَ تَوَعَّدْتَ بِهَا مَنْ صَدَفَ عَنْ رِضَاکَ ،

آتشی که بیم و هراسش ، گریبان کسانی را می گیرد که از خشنودی تو خود را دور ساخته است .

وَ مِنْ نَارٍ نُورُهَا ظُلْمَهٌ ،

آتشی که بجای نور تاریکی دارد .(ظلمت اعمال و تیرگی چهره و بیم و هراس موجود از اعمال نا شایست)

وَ هَیِّنُهَا أَلِیمٌ ،

و اتشی که هیبتش دردناک است.

وَ بَعِیدُهَا قَرِیبٌ ،

دورش نزدیک (اجتناب از زشتیها- مراقبت لحظه به لحظه از خود)

وَ مِنْ نَارٍ یَأْکُلُ بَعْضَهَا بَعْضٌ ، وَ یَصُولُ بَعْضُهَا عَلَی بَعْضٍ،

و آتشی که شعله هایش یکدیگر را می بلعند و درهم می پیچند.

وَ مِنْ نَارٍ تَذَرُ الْعِظَامَ رَمِيماً ، وَ تَسقِی أَهْلَهَا حَمِيماً ،

و آتشی که استخوانها را می پوساند ، آتشی که ساکنین خود را از آب جوش سیراب می کند .

وَ مِنْ نَارٍ لَا تُبْقِی عَلَی مَنْ تَضَرَّعَ إِلَيْهَا ، وَ لَا تَرْحَمُ مَنِ اسْتَعْطَفَهَا ،

و آتشی که بر متضّرع رحم نمی کند و پاسخ نیاز او را نمی دهد (آتشی که بی رحم است)

وَ لَا تَقْدِرُ عَلَی التَّخْفِيفِ عَمَّنْ خَشَعَ لَهَا وَ اسْتَسْلَمَ إِلَيْهَا

آتشی که قادر نیست به خاشعین در برابرش تخفیف دهد و تسلیم در خواست آنها گردد.

تَلْقَی سُكَّانَهَا بِأَحَرِّ مَا لَدَيْهَا مِنْ أَلِيمِ النَّكَالِ وَ شَدِيدِ الْوَبَالِ

آتشی که با گرمای سوزان خود و عقاب دردناک و مصیبتی سخت، ساکنین خود را ملاقات می کند.

وَ أَعُوذُ بِکَ مِنْ عَقَارِبِهَا الْفَاغِرَهِ أَفْوَاهُهَا ، وَ حَيَّاتِهَا الصَّالِقَهِ بِأَنْيَابِهَا ،

وپناه می برم از کژدم های دهان گشوده و مارهای نیش زننده و وحشت افزا

وَ شَرَابِهَا الَّذِی يُقَطِّعُ أَمْعَاءَ وَ أَفْئِدَهَ سُكَّانِهَا وَ يَنْزِعُ قُلُوبَهُمْ ،

و آشامیدنیهایی که دل و روده ها ی ساکنینش را پاره پاره می کند. و دلهایشان را بر می کند.

وَ أَسْتَهْدِيکَ لِمَا بَاعَدَ مِنْهَا ، وَ أَخَّرَ عَنْهَا

خدایا از تو هدایتی می خواهم که مرا از این آتش دور نماید و باز پس دارد.

فرازدوازدهم:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ ، وَ أَجِرْنِی مِنْهَا بِفَضْلِ رَحْمَتِکَ ، وَ أَقِلْنِی عَثَرَاتِی بِحُسْنِ إِقَالَتِکَ ،

با درود بر محمّد و آل محمّد ، بار الها از تو درخواست می کنم که مرا به فضل و رحمت و مهربانی خود از آتش پناهم ده .و گناهانم را تخفیف بده به حُسن عفو خویش(اقاله) از گناهان در می گذری.

اقاله در فقه:

اقاله در اصطلاح فقه نیز به معنای درخواست و موافقت با فسخ معامله است؛ به این معنا که اگر کسی بعد از خرید یا فروش کالایی، پشیمان شده و از فروشنده یا خریدار درخواست بهم زدن معامله (فسخ و رفع عقد) را کند و فروشنده یا خریدار این درخواست را قبول کند، این عمل را اقاله گویند.

اثر اقاله:

قال رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم : "من اقال مسلماً اقاله الله عثرته "

کسی که اقاله کند و جنس فروخته شده را پس بگیرد، خداوند از لغزش او می‌گذرد. (سنن ابی داود / ۳ / ۲۷۴)

اقاله در گناه:

یَا مُقِیلَ الْعَثَرَات/ ای خدایی که لغزش‌ها را اقاله می‌کند/ ای خدایی که لغزش‌ها را نادیده می‌گیرد.
حالا این‌جا اقاله است، می‌خواهد گناهان خود را اقاله کند. ما هم از امام سجّاد (علیه السّلام) یاد می‌گیریم، بدانیم خدایی داریم که گناهان ما را اقاله می‌کند، آن‌قدر مهربان است یعنی اگر ما پشیمان شویم، توبه کنیم اصلاً با ما یک معامله‌ای می‌کند مثل این‌که گناهی نکرده‌ایم و توفیقات از دست رفته باز می گردد.

اقاله سبب تخفیف در گناه و عاملی برای بخشش انسان است.

وَ لَا تَخْذُلْنِی یَا خَیْرَ الْمُجِیرِینَ

ای بهترین پناه دهندگان، مرا خوار مساز

اللَّهُمَّ إِنَّکَ تَقِی الْکَرِیهَهَ ،

بار الها ، تو بندگانت را از مکروه و رنجها و مصیبتها نگه می داری.

وَ تُعْطِی الْحَسَنَهَ ، وَ تَفْعَلُ مَا تُرِیدُ ، وَ أَنْتَ عَلَی کُلِّ شَیْءٍ قَدِیرٌ.

تو عطا کننده خوبی هستی و هر چه بخواهی به جا می آوری و تو بر هر کاری قادر هستی.

اثرات خداشناسی و بندگی در جسم و روح بشردر قرآن و روایات:

۱ - اثر نماز (دوری از گناه)
«ان الصلوة تنهی عن الفحشاء و المنکر» (عنکبوت، ٤٥)
نماز انسان را از زشتی‌ها و گناه باز می‌دارد .

۲ - اثر روزه (پرهیزکاری)
«کتب علیکم الصیام کما کتب علی الذین من قبلکم لعلکم تتقون»(بقره، ۱۸۳)
روزه برشما نوشته شده همانگونه که برکسانی که قبل از شما بودند نوشته شد تا پرهیزکار شوید.

۳ - اثر زکات (پاك شدن از علاقه‌های مادّی)
«خذ من اموالهم صدقة تطهرهم و تزکیهم بها»(توبه ۱۰۳)
از اموال آنها زکات را بگیر تا بدینوسیله آنها را پاك کنی و رشد دهی .

٤ - اثر توبه خالص (از بین رفتن گناهان)
«توبوا الی اللّٰه توبة نصوحاً عسی ربکم ان یکفر عنکم سیئاتکم»(تحریم، ۸)
به سوی خدا توبه کنید، توبه خالص، امید است پروردگارتان گناهانتان را ببخشد .

۵ - اثر قرض الحسنه (وام دادن) (آمرزش الهی)
«ان تقرضوا اللّٰه قرضاً حسناً یضاعفه لکم و یغفر لکم»(تغابن، ۱۷)
اگر به خدا قرض الحسنه دهید آن را برای شما مضاعف می‌سازد و شما را می‌بخشد .

٦ - اثر پیروی از دستورات پیامبر (محبوبیت نزد خداوند)
«قل ان کنتم تحبّون اللّٰه فاتّبعونی یحببکم اللّٰه»(ال عمران، ۳۱)
بگو اگر خدا را دوست می‌دارید از من پیروی کنید تا خدا نیز شما را دوست بدارد و گناهانتان را ببخشد

۷ - اثر ایمان و عمل صالح (محبوبیت نزد مردم)
«ان الذین امنوا و عمل الصالحات سیجعل لهم الرحمن ودّاً» (مریم، ٩٦)
مسلّماً کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند خداوند رحمان محبتی برای آنها در دل‌ها قرار می‌دهد .

۸ - اثر یاد قیامت (اخلاص)
«انا اخلصناهم بخالصة ذکر الدّار»(ص، ٤٦)
ما آنها را به خلوص ویژه‌ای خالص کردیم و آن یادآوری سرای آخرت بود.

۹ - اثر شکر خداوند (زیاد شدن نعمت)
«لئن شکرتم لازیدنّکم»(ابراهیم، ۷)
اگر شکرگزاری کنید بر شما خواهم افزود .

۱۰ - اثر یاد خداوند (آرامش جان)
«الا بذکر اللّٰه تطمئنّ القلوب»(رعد، ۲۸)
آگاه باشید تنها با یاد خدا دل‌ها آرامش می‌یابد.

روایات:

۱ - اثر نیکی به برادران(عمر طولانی)
قال الکاظم‌علیه السلام : «من حسن برّه باخوانه و اهله مدّ فی عمره».
کسی که احسان و خدمت او به برادران و خانواده‌اش نیکو باشد، عمرش طولانی می‌گردد. (مستدرک/ ٤۲۱/۱۲)

۲ - اثر اقاله(جذب محبّت الهی و بازگشت به سوی توفیقات)
قال رسول اللَّهصلی الله علیه وآله وسلم : «من اقال مسلماً اقاله اللَّه عثرته».
کسی که اقاله کند و جنس فروخته شده را پس بگیرد، خداوند از لغزش او می‌گذرد. (سنن ابی داود / ۳ / ۲۷٤)

۳ - اثر توبه(پاک شدن از گناه)

قال علی‌علیه السلام : «التوبة تطهّر القلوب و تغسل الذنوب».
توبه باعث طهارت دلها و پاك شدن گناهان می‌شود . (غرر/ ۱۳۵۵)

٤ - اثر همنشینی با دانشمندان(تواضع)
قال علی‌علیه السلام : «جالس العلماء یزدد علمك و یحسن ادبك و تزك نفسك».
با دانشمندان بنشین تا دانش تو افزون و ادب تو نیکو و نفس تو پاك گردد . (غررالحکم/٤٧٨٦)

۵ - اثر مبارزه با نفس (پرهیزکاری-ترک محرمات قیام بر واجبات و اخلاص برعمل)
قال علی‌علیه السلام : «من جاهد نفسه اکمل التّقی».
کسی که با نفس خود مبارزه کند به کمال پرهیزکاری می‌رسد . (غرر/۷۷۵۱)

٦ - اثر جود و بخشش(سعادت دنیا و آخرت)
قال علی‌علیه السلام : «الجواد فی الدنیا محمود و فی الآخرة مسعود».
کسی که جود و بخشش داشته باشد در دنیا مورد ستایش قرار می‌گیرد و در آخرت به سعادت می‌رسد. (غرر/۲۱۵۲)

۷ - اثر یاد مرگ(مراقبت از اعمال- محبوب خدا شدن)
قال رسول اللَّهصلی الله علیه وآله وسلم : «من اکثر ذکر الموت احبّه اللَّه».
کسی که زیاد به یاد مرگ باشد محبوب خداوند می‌شود . (کافی / ۲ / ۱۲۲)

۸ - اثر تلاش در برآوردن نیاز مؤمن(عبادت و طاعت و بندگی خداوند)
قال رسول اللَّهصلی الله علیه وآله وسلم : «من سعی فی حاجة اخیه المؤمن فکانّما عبداللَّه تسعة الف سنة صائماً نهاره قائماً لیله».

کسی که تلاش کند نیاز برادر مؤمن برآورده شود، گویا خداوند را ۹ هزار سال عبادت کرده در حالی که در روز روزه و در شب به نماز پرداخته است . (بحار / ٧٤ / ٣١٥)

٩ - اثر اخلاص(بالا رفتن اعمال)
قال علیعلیه السلام : «بالاخلاص ترفع الاعمال».
به وسیله اخلاص، اعمال بالا می‌رود . (غرر/٤٢٤٢)

١٠ - اثر خوف از خداوند(کسب کمال)
قال رسول اللّٰهصلی الله علیه وآله وسلم : «من خاف اللّٰه عزّ و جلّ خاف منه کل شیء و من لم یخف اللّٰه اخافه اللّٰه من کل شیء».
کسی که از خدا بترسد همه چیز از او می‌ترسند و کسی که از خداوند نترسد خداوند او را از همه چیز می‌ترساند . (بحار / ٧٧ / ٥٠)

١١ - اثر عبادت و بندگی خداوند(خشوع و تواضع)
قال الحسنعلیه السلام : «من عبداللّٰه عبّد اللّٰه له کل شیء».
کسی که خدا را عبادت کند، همه موجودات بنده او می‌شوند . (تنبیه الخواطر / ٢ / ١٠٨)

١٢ - اثر نماز با معرفت(آمرزش گناه- اخلاص در عمل)
قال علیعلیه السلام : «من اتی الصلوة عارفاً بحقّها غفر له».
کسی که نماز را با معرفت بجا آورد مورد آمرزش قرار می‌گیرد . (خصال / ٦٢٨)

١٣ - اثر روزه(کسب حکمت و معارف و شناخت یقین خود)
قال رسول اللّٰه صلی الله علیه وآله وسلم : «الصوم یورث الحکمة و الحکمة تورث المعرفة و المعرفة تورث الیقین فاذا استیقن العبد لایبالی کیف اصبح بعسر ام بیسر».
روزه حکمت را نتیجه می‌دهد و حکمت باعث معرفت و معرفت مایه یقین می‌گردد و هرگاه انسان به حد یقین رسید پروایی ندارد که به سختی یا آسانی زندگی او سپری شود. (بحار/٧٧/٢٧)

١٤ - اثر حسن ظن به مردم(دوری از سوءظن- کسب کمالات اخلاقی)
قال علیعلیه السلام : «من حسن ظنّه بالناس حاز منهم المحبّة».
کسی که به مردم خوش گمان باشد، محبّت مردم را به دست می‌آورد . (غرر الحکم / ٤٨٢٣)

۱۵ - اثر بی‌رغبتی به دنیا(زهد)
قال رسول اللّٰه صلی الله علیه وآله وسلم : «من زهد فی الدنیا هانت علیه المصیبات».
کسی که نسبت به دنیا بی میل باشد، مشکلات بر او آسان می‌شود . (بحار / ۷۷ / ۹٤)

فرازسیزدهم:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ ، إِذَا ذُكِرَ الْأَبْرَارُ ،

درود بر محمّد و آل محمّد بفرست آنگاه که نیکان یاد شوند.(مثل یادی از شهدا و بزرگان و علماء –انبیاء و اولیاء)

وَ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ ، مَا اخْتَلَفَ اللَّيْلُ وَ النَّهَارُ ،

درود بر محمّد و آل محمّد بفرست آنگاه که شب و روز در حال رفت و آمد هستند و از پس یکدیگر می آیند.(شب تو را به آرامش و روز تو را به تلاش دعوت می کند .پس یاد خدا و درود بر این همه نعمت ، کسب ارزشهای مفید در زندگی است.)

صَلَاةً لَا يَنْقَطِعُ مَدَدُهَا ،

درودی که دنباله اش قطع نگردد (اطمینان به جایگاه صلوات)

وَ لَا يُحْصَى عَدَدُهَا ،

درودی که به شمارش در نیاید.(صلوات کثیر که ملائکه از شمارش آن عاجز مانند)

صَلَاةً تَشْحَنُ الْهَوَاءَ ،

درودی که هوا را پر کند .(کنایه از بهترین حالت روحی- پرواز در عرش الهی و نزول برکات)

وَ تَمْلَأُ الْأَرْضَ وَ السَّمَاءَ .

درودی که زمین و آسمان را در بر گیرد.(درودی که در زمین رفع مشگلات و گرفتاریها را کند- درودی که به آسمان بالا رود و مهر قبولی و تأیید الهی را در بر داشته باشد که در پس آن استجابت دعاست چون رضایت الهی در آن گنجانده شده است)

صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ حَتَّى يَرْضَى ،

خداوند بر نیکان درود می فرستد تا جائیکه او راضی شود .(گشایش در کار دنیا و آخرت)

وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ بَعْدَ الرِّضَا ، وَصلاةً لا حدَّ لها و لا منتهی،

و درود خدا بر رسول و آلش بعد از خشنودی ورضا نیکان ،درودی که حدّ و پایانی ندارد. (پس وقتی خداوند صلوات را از نیکان قبول کرد ،به ملائکه اذن می دهد تا او را راضی کنند ؛آنها همچنان صلوات می فرستند و بعد که این مرحله پایان یافت یک مرحله بعد از خشنودی می ماند که خداوند با درود فرستادن خود چنان رحمتی می فرستد که حدّ و پایانی و انتهایی برایش نماند- این رحمت درهای بسته شده و گره های در هم تنیده شده را باز می کند)

يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

ای مهربانترین مهربانان

والسلام علی من اتبع الهدی

منابع:

فرهنگ لغات : معین - دهخدا

میزان الحکمة – ری شهری (۱۵ج)